

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع، نگارش و نوشته از:  
الحاج داکتر امین الدین «سعیدی – سعید افغانی»  
و داکتر صلاح الدین «سعیدی – سعید افغانی»

بسم الله الرحمن الرحيم

## خودکشی ، انتحاری ، استشهادی

۱

هر لغت، کلمه و اصطلاح از خود تذکره ( ID کارت هویت) دارد. هر لغت، کلمه و اصطلاح حد اقل دارای معنا و یا معانی تحت الفظی، معنا و یا معانی اصطلاحی می باشد. معانی لغوی و تحت الفظی در طول تاریخ پیدایش لغت و اصطلاح چندان تغییر نکرده و به حال خود باقی می ماند، اما معانی اصطلاحی به مرور زمان تغییر نموده، ابعاد وسیعتر، خوردتر و حتی مفاهیم متفاوت را گرفته اند.

این مسأله خاصاً در مورد کلمات و اصطلاحات سیاسی حاد تر و جدی تر است. پیشکش کردن و ارائه تعاریف جامع و مانع، یعنی تعاریفیکه در بر گیرنده تمامی مشخصات و صفات یک لغت و اصطلاح باشد و منع کننده صفات و مشخصات لغت و اصطلاح دیگر باشد، نیز ضروری پنداشته می شود.

مثلاً تلاش و زحمت کشیدن برای کسب رزق حلال هم تلاش و عرق ریزی است اما تلاش و عرق ریزی برای غصب مال شخص دیگر، ظلم و تجاوز به حق و مال دیگران و حمله مسلحانه بر بانک به منظور کسب مال و پول هم تلاش و عرق ریزی است. مطمئناً که تلاش و عرق ریزی برای کسب رزق حلال با تلاش و عرق ریزی برای غصب مال شخص دیگر، تجاوز و عمل خلاف نورمهای قبول شده جامعه، تفاوت دارد.

همچنان اعدام، گرفتن نفس کسی به اساس حکم قانون و قتل و کشتن کسی بدون مجوز قانون در نهایت امر همان گرفتن نفس انسان است که نتیجه نهائی همانا گرفتن حیات کسی است که از لحاظ حقوقی و معنا هر یک گرفتن حیات کسی است که یکی به اساس مجوز قانونی و دیگری بدون مجوز قانونی بوده و در همین از هم متفاوت اند.

در این راستا مفاهیم حقوق اساسی و طبیعی انسان که به اساس قانون هم نزد بعضی از انسان گرفتار نیست و حقوق دیگر انسانها که می توان به اساس حکم قانون آن را از وی سلب کرد، نیز بحث جالب و مطرح است اما به نسبت ضیق وقت و طوالت کلام از آن می پرهیزیم.

مفهوم لغوی خود کُشی، انتحاری که عده ای آن را استشهادی می گویند واضح است. اما اصطلاحاً خود کُشی یا عمل انتحاری دو مرحله و مفهوم تقریباً مستقل می باشد. به این معنا که خودکُشی منحصر به خود انسان گردیده در حالی که عمل انتحاری کُشتن خود به قصد و مفهومی است که طی این عمل شخص خود را به خاطر از بین بردن و یا تخریب هدفی و یا از بین بردن کس و یا اشخاص دیگر کشته و نابود می نماید.

یعنی هر عمل انتحاری به قصد خود کُشی است اما هر عمل خودکُشی عمل انتحاری به مفهوم استشهادی نیست. موضوع بحث امروزی ما هم به طور عمده همین عمل انتحاری با جوانب سیاسی و عقیدتی است که عده ای آن را استشهادی می نامند، تا خود کُشی.

درین مبحث و پژوهش موتیف، انگیزه، اسباب و عوامل عمل انتحاری، حالات روانی، مُبرر، به حق بودن و عدم آن و بالاخره جواب دادن به سؤالی که آیا وسیله انتخاب شده انتحاری را به هدف می رساند و یا خیر؟ نکات بس مهم و اصلی بحث ما همانا تمرکز به بعضی جوانب این قضیه بس حساس و مهم است. با وجودی که این کار و تحقیق ضرورت به موشگافی، تکمیل و غنی سازی بخشی از جوانب دیگر قضیه را نیز ایجاب می کند که دراین راستا کار ادامه خواهد داشت.

عمل انتحاری بدون هدف سیاسی و صرف برای ازبین بردن خود نوعی از عمل انتحاری است که درجهان آن را به نام (اوتنازی) نیز می شناسند.

مطابق به قوانین برخی از کشور های امروزی جهان با تحت نظر گرفتن جدی قوانین پیچیده و دقیق کنترل شده آن را مجاز می دانند و شماری دیگر از کشور های امروزی و قوانین آن این عمل را مجاز نمی دانند. و اما از نظر اسلام و قوانین اسلامی این عمل حرام بوده و به مثابه قتل نفس به شمار رفته و جای شخص انتحاری مذکور در جهنم است.

اما عمل انتحاری با داشتن توجیه سیاسی و هدف سیاسی و دینی را نیز می توان به نوعی خود کُشی به اساس عقیده نام گذاشته و توجیه نمود که به نحوی عده ای آن را به مفهوم عمل استشهادی یا جداً قریب به استشهادی پنداشته و عمل کننده عمل استشهادی را به آن معتقد ساخته اند تا عمل مذکور را اجراء کند و همان شخص به عمل انتحاری وادار می شود.

یعنی به اساس عمل عقیدتی عمل انتحاری اجراء کردن به مقصد دیگر کُشی و صدمه زدن به غیر (دشمن) افاده می شود و به آن صبغه عقیدتی و به این نوع میرر داده می شود. به این ترتیب و در این نوع عمل شخص با خود کُشی شخصی دست به طرح و اجرای یک پروگرام یا نقشه تخریبی می زند که طی آن شخص قصد می کند، خود را وسیله آسیب زدن و یا از بین بردن دشمن قرار دهد.

این که دشمن کی است و چه کسی تعریف دقیق از آن داده می تواند؟ و این که جانب متعهد و عقیده معین در جامعه از کیست نیز بحث های ضروری اند که ایجاب بحث های مستقل، عریض و طویل را می دارند.

اما تمرکز ما بیشتر مستقیم به عمل خود کُشی به مفهوم انتحاری است.

در عمل خودکُشی بدون هدف سیاسی و عقیدتی که با عمل انتحاری و استشهادی تفاوت دارد چه در عمل خود کُشی به مفهوم اولی و ساده کلمه مثلاً شخصی می خواهد خود را از مشکلات روزگار زندگی نجات دهد. ولی در عمل انتحاری، انتحار کننده و یا هم مغز متفکر دیگر دارای هدفی است که برای به دست آوردن آن هدف و یا جلب توجه و فشار و ایجاد حالت روانی معین در ماحول خویش و ضرر رساندن به هدف، دست به عمل و یا طرح یک پلان زده که با تطبیق آن توسط انتحار کننده، موجب مرگ خودش، دیگران، ایجاد ترس و ضرر مالی

نیز می شود. این که با این عمل خویش به هدف نایل می گردد و یا خیر و یا با عمل خویش مرتکب عمل بدتر می شود؟ به ذات خود نیز سؤالی مهمی می باشد.

در عملیه انتحاری فرد انتحاری مرگ خویش را نسبت به هدفی که برای خود تعیین کرده است، بزرگتر شمرده و برای دست یابی به آن جان خویش را فدا می نماید.

به این ترتیب عملیه استشهادی یک شیوه و ابزار دفاعی است که در سالهای اخیر عده ای از مسلمانان آن را علیه مخالف و یا متجاوز، با روش جدیدی برای مقاومت و رویارویی با دشمن که با وسایل و شیوه های جدید کشنده است و در گذشته چندان معمول و معروف نبوده، انجام می دهند .

اکثراً چنین واقع می گردد: شخصی که عملیات استشهادی را انجام می دهد ، یقین یا ظن غالب دارد که خودش نیز در جریان عملیات به شهادت می رسد.

نباید فراموش کرد: عملیات استشهادی برای دفع تجاوز متجاوزین در صورتی که با وسایل دیگر دفاعی متعارف ممکن نباشد ، صورت می پذیرد . و به اعمال انتحاری که علیه انسانهای بی گناه، یا به عبارت دیگر خودکشی، بدون جهت شرعی، به مسلمانان و انسانهای دیگر ضرر به مال و جان صورت می گیرد، متفاوت می باشد . در صورتی که که چنین باشد طوری که قبلاً یادآور شدیم، این عمل به هر نامی که باشد، حرام و شامل دایره حرمت قتل نفس می گردد .

در این هیچ جای شک نیست که: دفاع در مقابل دشمن یک امر فطری و عقلی هم است و خداوند به هر موجود زنده ای ابزار دفاعی خاصی داده است.

ولی این ابزار دفاعی در انسانها به دلیل داشتن قوه تعقل متنوع و گوناگون است و هر قوم و ملتی با توجه به تواناییاتی که دارند از شیوه ها و ابزار دفاعی مناسب حال در چوکات شرع خود استفاده می کند. یکی از روشهای دفاعی که اخیراً در کشور های اسلامی به کار گرفته می شود ، به نام ، عملیات استشهادی و انتحاری مسمی گردیده است .

اطلاق آیات و روایات دینی و فتوای اسلامی، جهاد دفاعی و ترجیح دفاع بر حفظ نفس دلیل جواز این نوع عملیات است.

خواننده محترم!

تاجائی که بشریت می داند، تاریخچه عمل انتحاری در مشرق زمین به یک هزار سال قبل از امروز می رسد . ولی با تأسف باید گفت که انگیزه اعتقادی انتحار با گذشت بیشتر از ده قرن تغییر نکرده و انتحار کنندگان قرن بیست و بیست و یکم در اکثر موارد از لحاظ رشد فکری هنوز در سطح فکری اولی قرار دارند.

ادوارد برون ، شرق شناس مشهور انگلیسی مؤلف کتاب مشهور تاریخ ادبیات فارسی می نویسد که « حرکت اسماعیلیان (حشاشین) به رهبری حسن صباح هزار سال قبل از امروز با دادن وعده بهشت به افراد خویش آنها را وادار به انجام عمل انتحاری می نمودند».

از جمله بزرگترین نمونه های عمل انتحاری در عصر امروزی را می توان بدون شک در حملات ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ م. در ایالات متحده امریکا مشاهده نمود که در نتیجه این جنایات هزار ها انسان بی گناه به شهادت رسیده، زخمی و یا متضرر شدند.

چنانچه همه به خاطر داریم طی آن ۱۹ حمله کننده با به کنترل درآوردن ۴ بال طیاره مسافر بری به علاوه دیگر دو برج مرکز تجارتی جهانی را در نیویارک به لرزه درآورده و منهدم نمودند. قرار احصائیه های منتشره، به

موجب آن ۲۹۷۳ انسان بی گناه به قتل رسید. ضرورت به تذکر است که هیچ یک از اجراءکننده ها و یا مغزمتفکر این عملیات از افغانستان نبود.

در این سلسله در سالهای بعدی همچنان می توان از حملات انتحاری متروی (ریل زیر زمینی شهری) شهر لندن انگلستان و حملات انتحاری ویا هم استشهادی فلسطینی ها علیه اهداف اسرائیلی و حملات انتحاری در عراق و کشور عزیز ما افغانستان نام برد.

در یک کتگوری خاص حملات انتحاری را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱- حمله انتحاری با هدف مشخص.

۲- حمله انتحاری بدون هدف مشخص.

### در عملیه انتحاری با هدف مشخص :

مقصد و هدف شخص انتحاری و یا مغز متفکر که عمل انتحاری را سازمان داده، ضرر رساندن به فرد یا افراد معین و مشخص و یا ملکیت و جنس مشخص می باشد. در این عملیه ممکن است افراد دیگری حاضر در محل حادثه نیز ضرر دیده و یا از بین رفته، به قتل رسیده و شهید شوند.

اما در عملیه انتحاری بدون هدف مشخص: معمولاً برای نا امن کردن فضای اجتماعی و سیاسی مورد نظر و برانگیختن ترس و وحشت عمومی طراحی می شود. عملاً غیر قابل تردید است که در به راه انداختن این نوع از عملیات انتحاری ساختمان ها و وسایط و انسانها از بین رفته و معمولاً به قتل انسانهای بی گناه می انجامد.

طراح و یا طراحان و مغز متفکر عمل انتحاری یا خود شخص و در اکثر موارد افراد غیر از شخص انتحاری می باشد. عملیات انتحاری عملاً در کشور ما افغانستان و منطقه اکثراً با داشتن اهداف مشخص و در اکثر موارد به استشاره، هدایت و سازماندهی اجانب خاصاً مراجع استخباراتی همسایگان تحقق می یابد. به راه انداختن همچو عملیات ایجاد نوعی از ترس و رعب در جامعه بوده و دلیل ترس همگانی شده که در نتیجه آن خسارات زیاد جانی و مالی به مردم بی گناه ما تحمیل می گردد.

کنترول و جلوگیری از عمل انتحاری عملاً مشکل و در موارد نا ممکن میباشد. علت آن هم بسیار ساده و قابل فهم است. فردی که خود را آماده مرگ، انتحار یا درموردی به زعم خویش و تشویق عمل استشهادی نموده دیگر ترسی از چیزی به خود راه نمی دهد و عملاً غیر قابل مهار ویا به بسیار مشکل قابل مهار و پیگیری است.

### اسباب و عوامل خودکشی ویا عمل (انتحاری)

#### اول :

در صورتی که انگیزه عمل انتحاری عقیدتی باشد (استشهادی). در این صورت اگر مستقیم به مشکل کشور و منطقه خویش متمرکز شویم. اولین و اساسی ترین عامل آن عدم فهم درست و آگاهی لازم انتحار کننده ویا مغز متفکر آن به اساسات راستین و اصول واقعی دین مقدس اسلام می باشد.

بلی جاهلیت و عدم آگاهی لازم و دقیق از مفاهیم و جوهر واقعی دین آسمانی و در این سلسله دین مقدس اسلام است. دینی که برای سعادت دنیا و آخرت انسان نازل گردیده،

دینی که هدایت دارد و «وَلَا تُنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا ( القصص الآية ۷۷ ) ،

دینی که سفارش دارد زندگی کن و برای زندگی آمادگی بگیر مانند این که برای ابد زنده هستی. و برای مرگ آمادگی بگیر مانند اینکه فردا می میری.

دینی که نص صراحت دارد (و لاتلقوا بایدیکم الی التهلكه)، خود را به قصد به تهلکه نیندازید، دینی که دین دنیا و آخرت است، دینی که می فرماید: « من قتل نفسا بغير نفس اوفساد فی الارض فکأنما قتل الناس جمعیا »

بلی در دینی که رهبانیت، افراط و تفریط منع شده، چطور می تواند انسان ها را به از بین بردن خود، قتل و کشتار انسانهای بی گناه دیگر تشویق کند؟

دینی که هدایت صریح دارد: ( من قتل مؤمنان متعمدا فجزاه جهنم خالدا فیها) کسی که مؤمنی را به قصد به قتل می رساند جزایش جهنم و به طور ابد در آن خواهد ماند. تا ابد ماندن در جهنم جای غیر مسلمانان یعنی کفار است، ولی قرآن عظیم الشان قاتل مؤمن را به بقاء در جهنم به طور ابد وعده و تنبیه می کند. به همین اساس گفته می توانیم که شخص انتحار کننده نسبت عدم درک درست از اسلام، نسبت عدم درک احکام الهی و استنباط درست از قرآن و سنت پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم، توانمندی آن را ندارد تا بین حلال و حرام فرقی را به عمل ارد و حتی به این هم نمی داند که آیا کشتن افراد بیگناه در اسلام جواز دارد و یا خیر؟

در عمل انتحاری انسانهای بی گناه شهید و یا زخمی می شوند و صدها نقص به انسانهای ثالثی که هیچ دخلی به کار ندارند، وارد شده متضرر و عملاً بدون گناه و جرمی؟! مجازات می گردند آنهایی که عملاً کاری به آن ندارد و یا هم اصلاً نه عمل و نه هم ایجادگر بوده و حتی شاید مانند انتحار کننده مخالف وضع جاری باشد.

انتحاری فرصت توبه کردن را از هدف می گیرد. توبه کردن از گناه حق و امکان هر مسلمان است. انتحاری چنین امکان داده شده از جانب پروردگار را از بنده می گیرد.

بلی امکان و فرصت توبه حتی برای انسان متخلف یکی دیگری از اصول و اساساتی است که در شهادت انتحاری جداً مورد سؤال قرار گرفته و از بنده و حتی انسان بی گناه گرفته می شود. حین تفکر و تعمق به این اعمال و به خصوص حرکات افراطی بخشی از مسلمانان و سازمان دهندگان اعمال تروریستی و انتحاری انسان به فکر شعر شاعری می افتم که میگوید:

ترسم نه رسی به کعبه ای اعرابی

این ره که تو میروی به ترکستان است

**دوم :**

دومین عامل عدم دسترسی این افراد به معلومات و اوضاع جهانی و در نهایت تحت تأثیر قرار گرفتن تبلیغات نادرست علمای (علماء نماهای) متعصب و محدود الذهن دینی اند.

**سوم:**

از آنجائی که منابع عمده دین اسلام به زبان عربی اند و در کل معرفت مردم افغانستان به توضیح و تشریح علماء محدود دین قرار دارد و بخشی از این علماء و یا به دقت بگویم علماء نما های دین هم بنا بر عوامل مختلف جایز و نا جایز به جای این که مصروف تدریس و واقعیت های حقیقی و هویت واقعی اسلام گردند شنوندگان و شاگردان مدارس و طلبه علم را به مسایلی مصروف می سازند که با جوهر دین مقدس اسلام و حکمت احکام اسلامی در تضاد است.

## چهارم:

عامل اعتقادی عامل چارم است که انتحاری به زعم خود برای کسب مقام عالی شهادت و رفتن به جنت می باشد. ای کاش انسان به این درجه نایل می شد اما متأسفانه تمام شواهد، قراین و احکام دین اسلام و نتیجه عمل انتحاری را چنانچه در بالاتشریح کردم سبب اذیت، کشت و خون انسانهای بی گناه شده و قهر و غضب خداوند متعال متوجه آنان خواهد شد که این عمل را اجراء و یا سازمان دهی می نمایند.

## پنجم:

پنجمین عامل را می توان عامل اقتصادی مسمی نمود. که عبارت از فقر و بیچارگی، بیکاری، کرسنگی، قرضداری می باشد.

## ششم:

ششمین عامل را علماء و محققین، عامل یأس، ناامیدی و ضعف در مقابله نظامی مسمی نموده اند. زمانی که انسان نیروی مقابله رو در رو با دشمن خود را نداشته باشد، عملاً دست به انتحار می زند و یا افراد دیگر را به این عمل آماده میسازد.

## هفتم:

در موارد معین ظلم ها، دشمنی های شخصی و همین عملیات نظامی ظالمانه کور، کر و بی هدفی که به راه انداخته می شود و به اثر این بمباردمان ها قریه ها و منازل مسکونی مردم تخریب می گردد و انسان های بیگناه، اطفال و زنان و مردم بی دفاع به قتل می رسند، موجب بی عفتی و بی عزتی فامیل ها، تجاوز بر ننگ و ناموس شده که موجبات و عوامل عمل انتحاری و انتقامی را ایجاد و تشدید می بخشند. به این صورت بدون در نظر داشت توجیه آن عملاً چنین عمل در مجموع عمل عکس العملی در مقابل یک عمل و یا واکنشی در برابر کنشی است که باید دقیق مورد مطالعه و بررسی قرار داده شود.

## هشتم:

همچنان یکی دیگری از عوامل انتحاری به خصوص در کشور عزیز ما افغانستان را می توان فساد اداری در ادارات دولت و اتلاف حقوق حقه و شرعی افراد جامعه مسمی نمود. این عامل به نحوی با عامل هفتم نیز مرتبط می باشد.

## ولی در تحلیل نهائی گفته می توانیم:

عملیه انتحاری در کشور عزیز ما افغانستان اساساً و عمدتاً ریشه خارجی داشته و این تکنیک جنگی است که بخشی از منابع مغرض خارجی می خواهند آن را بر کشور ما غرض تحقق اهداف سیاسی و نظامی، فرهنگی و کلتوری خویش به راه بیندازند.

تمام محاسبات و تحلیل های عینی و در اکثر موارد شواهد مشخص نشان می دهد که کشور های همسایه و ذینفع در افغانستان به خاطر ایجاد درد سر برای امریکائی ها و غربی ها با به راه انداختن و تحمیل جنگ های نیابتی، می خواهند مانند سه دهه اخیر افغانها را مورد استفادۀ خویش قرار دهند و اهداف خویش را توسط آنها به صورت آشکار و روبه رو و یا غیر مستقیم برآورده سازند.

مرکز عمده این مراکز انتحاری در قدم اول در مدارس دینی در پاکستان و کشور ایران فعال بوده، افراد و اطفال معصوم و بی گناه و بی خبر از گناه و اساس احکام دینی و روح اصیل این احکام به منظور سازماندهی و اجرای اعمال تروریستی به طور منظم تربیه نموده به کشور ما گسیل می دارند.

مبحث این که کدام مراجع و یا محافل رسمی و یا سازمان ها وگرو های شخصی و یا چه روابط در ایجاد و تمویل مراجع و محافل رسمی و شخصی در این عرصه وجود دارند بحثی است ضروری و مستقل که نتیجه گیری آن در مواردی کاملاً قابل درک و فهم و در مواردی سخت پیچیده و در مواردی بالاتر از درک و تصور ما است. در این میان دوست و دشمن دایمی وجود ندارد و هر یک به نحوه و نوبه خویش در فرصت های مختلف با در نظر داشت منافع و مصالح خویش در تراژیدی ملت ما و مردم بی گناه منطقه و جهان رول بازی کرده اند و می کنند.

ادامه دارد